

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره دوم-تابستان ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۸

فیاض لاهیجی شاعر رنگها و آهنگها

(ص ۲۴۷-۲۴۶)

سامره شاهگلی (نویسنده مسئول)^۱، احمد سنچولی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۴/۰۵/۲۷

چکیده

یکی از نکات مهم بلاغی که در بررسی و شناخت سبک شخصی هر شاعر نقش مؤثری ایفا میکند، کاربرد رنگها و آهنگها و میزان استفاده شاعر از این عناصر است. اهمیت این مسأله در شعر برخی از شاعران بویژه شاعران سبک هندی بحدی است که از طریق آن میتوان به بسیاری از سلیقه‌ها، باورها، آرزوها و خواسته‌های شاعر پی برد. فیاض لاهیجی (ف ۱۰۷۱ ه.ق) یکی از شاعران سبک هندی است که در شعر خود به فراوانی از این امکان بهره برده است و نوآوریهای عمده و چشمگیری در بیان هنری رنگها و آهنگها داشته است. رنگ و آهنگ در شعر او محور اصلی سخن است که اغلب با تصاویر بلاغی همراه میباشد و بعنوان عاملی مهم برای بیان مقصود، زیبایی، هماهنگی و تناسب بخشیدن به اجزای کلام بشمار میرود.

کلمات کلیدی: فیاض لاهیجی، بلاغت، رنگ، آهنگ، حسامیزی.

۱- دانشجوی کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل shahgoli69@gmail.com

۲- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه زابل ah_sanchooli@yahoo.com

مقدمه

بدون شک رنگها و نغمه‌ها نقش مهمی در حیات انسان ایفا میکنند و تصور جهان بدون آنها سرد و بی‌روح است. بنابراین رنگها و آهنگها به عنوان یکی از چاشنیهای خلقت، در زیبایی اشیاء و ارائه مفاهیم و مقاصد مختلف قابل بررسی است. رنگها و موسیقیها دارای معانی متعدد و بشمار می‌روند هستند که جهت دادن به آنها از هر لحاظ، نشانه‌ای از طرز تفکر و احساس فرد است. «رنگ و آهنگ در نزد ایرانیان باستان مهم بشمار رفته است، چنانکه آیینهای ایران باستان، شاهد حضور رنگهایی مانند سفید، سیاه، سبز و سرخ و جشنها و مراسم با موسیقیها و نغمه‌ها همراه بوده است» (کارکرد رنگ در شاهنامه فردوسی، حسن لی و احمدیان: ص ۱۴۴).

شاعران به اهمیت رنگها و ترانه‌ها پی برده‌اند و این نکته در متون عرفانی، حماسی، غنایی و بطور کلی در تمام متون ادبی و شاعرانه مشهود است. رنگها و آهنگها از عناصر برجسته دیداری و شنیداری هستند که در طول تاریخ در باز نمود باورها و پنداشته‌های آدمی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. بسیاری از هنرمندان با بهره‌گیری از این امکان، خواسته‌های درونی خویش را در رنگها و موسیقیها بازتابانده و از زبان آنها سخنها گفته‌اند. در هنر و ادبیات فارسی رنگ همچون کلامی گویا برای بازگو کردن خلق و خوی مردم، حالات و روحیات متفاوت آنها بکار گرفته شده و باعث بوجود آمدن تصاویر شاعرانه و سبب انتقال و دریافت مفهوم و معنی به دیگران میشود.

در ادبیات فارسی و در شعر شاعران کلاسیک، رنگها و آهنگها محدود است و بطور کلی زبان فارسی از نظر دایره لغت در زمینه کاربرد رنگها و نغمه‌ها چندان گسترده نیست. زیرا بسیاری رنگها و موسیقیهایی که در زبان و فرهنگ مردم رایج است، در شعر و ادبیات مورد استفاده چندان قرار نگرفته است. حتی برخی بر این باورند که «در روزگار گذشته رنگها ثابت بوده، زیرا کمتر در زندگی و مواد موجود آن ظاهر شده است، به همین خاطر اهل زبان نیازی به توسعه دایره لغوی خود در مورد رنگ احساس نکرده‌اند. سالها و قرن‌ها گذشته تا ماده‌ای یا ترکیبی خاص به وجود بیاید و رنگی بر رنگهای موجود در زبان افزوده شود. از این روی مسأله رنگ در ادب فارسی تحولات بسیار ندیده و در دوره‌های مختلف دایره لغوی زبان شاعران در حوزه رنگها دگرگونی بسیاری نکرده است» (صورخیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۲۰۶). البته با اینهمه در شعر برخی از شاعران سبک هندی و از جمله شعر فیاض لاهیجی، مسأله رنگ و آهنگ انعکاس بارزی یافته است.

اهمیت رنگ و آهنگ در شعر فیاض لاهیجی به گونه‌ای است که برخی او را "شاعر رنگها و آهنگها" نامیده‌اند (دیوان اشعار، فیاض لاهیجی: ص ۳۹). وی با بهره‌گیری هنرمندانه از رنگها و آهنگها، صحنه‌هایی متنوع، رنگارنگ و پر تحرکی را در شعر خویش می‌آفریند که جلوه‌هایی خاص را در ذهن خواننده تداعی میکند. در شعر او هر رنگ و هر نغمه‌ای، با امور مادی و غیر مادی خاصی در هم می‌آمیزد، به گونه‌ای که در اندیشه و هیجانات روحی و روانی مخاطب اثر مستقیمی از خود به

جا میگذارد. رنگها و آهنگها در ذهن و ضمیر فیاض، حضوری تزئینی و آتفاقی ندارد و وی در راستای جهت‌گیریهای ذهنی و روحی و تمایلات خویش از آنها بهره برده است. لازم به یادآوری است که اغلب پژوهشهایی که در خصوص فیاض لاهیجی صورت گرفته، مربوط به دیدگاههای فلسفی، عرفانی و کلامی وی است^۱ و تاکنون در مورد رنگها و آهنگها در شعر او پژوهشی درخور توجه انجام نشده است. لذا در این نوشتار، کاربردهای هنری و غیر هنری رنگ و آهنگ در شعر وی مورد بررسی قرار میگیرد. اما پیش از پرداختن به این موضوع، اشاره‌ای مختصر به کاربرد رنگ در شعر دیگر شاعران و تفاوت آن با شعر فیاض ضروری است.

رنگ در شعر برخی از شاعران:

رنگها در متون کهن، بیشتر صبغه اشرفی دارند. شعر فارسی در آغاز پیدایش خود، از پشتیبانی دربارها برخوردار بوده و مشوقان اصلی شاعران، دربارها بوده‌اند که با در نظر داشتن مسائل سیاسی و یا بر اثر گرایشهای ذوقی خاصی که اهل سیاست داشتند، شاعران را به سرودن شعر و میداشتند و آنها نیز تصویرهای شعری خود را از زندگی اشرفی برمیکزیدند (صورخیال در شعر فارسی، شفیع‌کدکنی: ص ۲۲۸).

در شاهنامه، رنگها صبغه اشرفی دارند. فردوسی در بیت زیر، اشیایی که در دربارها وجود داشته (طبق، جام، کمر بند و لگام) را می‌آورد و به توصیف رنگ آنها میپردازد:

طبقهای زرین و پیروزه جام کمرهای زرین و زرین ستم
(شاهنامه: ۶۵ ب ۱۵)

در شعر کسایی، رنگ عامل ارتباط میان تصاویر است و صبغه اشرفی دارد:

یا آتش شعاع ز مشرق فروختند یا پرنیان لعل کسی باز گسترید
جام کبود و سرخ نبید و شعاع زرد گویی شقایق است و بنفشه است و شنبلید
(اشعار کسایی: ۱۳۲ ب ۱۲)

۱- احمدی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان: «فیاض لاهیجی شاعر ولایت مدار» معتقد است که فیاض لاهیجی به عنوان شاعری فیلسوف، از جمله کسانی است که شعر را محمل اندیشه ناب و ابزار بیان حق دانسته است. عطایی‌نظری (۱۳۸۹) در تحقیقی به نام: «بررسی اندیشه‌های کلامی فیاض لاهیجی» تلاش کرده است که پس از تشریح آراء و دیدگاههای فیاض در مباحث مختلف کلامی، نقش او را در فرایند فلسفی شدن علم کلام تبیین کند. عطایی‌نظری (۱۳۹۰) در مقاله دیگری با عنوان: «نقش فیاض لاهیجی در فلسفی شدن کلام شیعه» تمامی آثار فیاض از دیدگاه فلسفی را مورد تحلیل قرار داده است. آخوندی (۱۳۹۰) در پژوهشی تحت عنوان: «فرهنگ تشبیهات غزلیات فیاض لاهیجی» به بررسی تشبیهات غزلیات فیاض لاهیجی پرداخته است. در این پژوهش، اکثر تشبیهات غزلیات فیاض از لحاظ طرفین و ساختار بررسی شده است. نوریان (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان: «فرهنگ تلمیحات غزلیات فیاض لاهیجی» میگوید که وی از معدود دانشمندان و فلاسفه‌ای است که شعر را بطور جدی دنبال کرده و کثرت تلمیحات، خصوصاً تلمیحات عرفانی از ویژگی غزلهای اوست و تقریباً از تمام گونه‌های تلمیح استفاده کرده است.

همچنین عنصری، تصاویر رنگارنگ شعر خود را با زندگی درباری می‌آمیزد:

سوسنش سیم سپید از باغ بردارد همی باز همچون عارض خوبان زمین اخضر شود
روی بند هر زمینی حله چینی شود گوشوار هر درختی رشته گوهر شود
(دیوان اشعار عنصری: ۱۲۵ ب ۹)

قطران تبریزی، دیگر شاعری است که در شعر خود به وسیله رنگها، زندگی اشرافی را به تصویر کشیده است:

گویی نشسته خسرو چین بر سریر زرد زرین سپر بداشته در پیش آن سریر
(دیوان اشعار قطران تبریزی: ۲۱۵ ب ۱۷)

منوچهری، رنگ اشیای درباری (نمکدان، بلور، غلاف و گوشواره) را در شعر خود می‌آورد:
این چنان زرین نمکدان بر بلورین مائده وان چنان چون بر غلاف زر سیمین گوشوار
(دیوان اشعار منوچهری: ۱۳۶۷ ب ۱۳)

لامعی گرگانی نیز به توصیف رنگ فیروزه‌ای نگین انگشتری می‌پردازد:

پیروزه رنگ حلقه انگشتری که دید کاندرد میان او خم‌هاهن بود نگین
(دیوان اشعار لامعی: ۱۱۳۶۷ ب ۱۱)

عیوقی در توصیف شراب لعل‌گونی که در جام سبز است، می‌گوید:

می لعل رخشنده در جام سبز چو مریخ می‌تافت در گام بام
(دیوان اشعار عیوقی: ۲۵۴ ب ۵)

فرخی نیز از همین مضمون استفاده کرده و به توصیف جام سرخ پرداخته است:

تا برآمد جام‌های سرخ رنگ از شاخ گل پنجه‌ها چون دست مردم سر برآرد از چنار
(دیوان اشعار فرخی: ۱۱۸ ب ۹)

اما در شعر فیاض لاهیجی، رنگها بیشتر کاربردی نمادین و عرفانی دارند و از این روی، اغلب رنگها حتی رنگ سیاه، جنبه مثبت و نیکی پیدا کرده و شاعر از آن در توصیف زیباییهای معشوق (ابرو، چشم، زلف و خال) بهره میبرد. از سویی دیگر رنگ در شعر فیاض، با صورخیال و آرایه‌هایی نظیر حسامیزی، تشبیه، کنایه و استعاره همراه است که کارکرد آن را در شعرش متنوعتر و ادبیتر می‌سازد و گاه با تعبیرها و ترکیب‌هایی همراه میشود که ساخته ذهن خلاق و تصویر آفرین شاعر میباشد.

۱- حسامیزی با رنگها

بخش اعظم رنگها و آهنگها در شعر فیاض لاهیجی، مربوط به آرایه حسامیزی است. حسامیزی عبارت است از القای معنی با ترکیبات و تعبیری که حاصل آن از آمیخته شدن دو حس به یکدیگر یا جانشینی آنها خبر دهد (شاعر آیینها، شفیع کدکنی: ص ۴۱). از نظر بلاغی برخی حسامیزی را

از انواع مجاز دانسته‌اند (فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد: ص ۱۱۳) و (معجم مصطلحات الأدب، وهبه: ص ۵۵۷) و گروهی نیز آن را زیر مجموعه استعاره در نظر گرفته‌اند (صورخیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ص ۲۷۴) و (مقالات ادبی - زبان‌شناختی، حق شناس: ص ۷۸). حسامیزی در شعر فیاض لاهیجی، غالباً همراه با استعاره و تشبیه است که گاه به شکل ترکیبی، یعنی به صورت اضافه استعاری و یا اضافه تشبیهی آمده است.

۱-۱ حسامیزی رنگها به شکل ترکیبی

اینگونه حسامیزی به دو صورت ترکیب وصفی و اضافی به کار می‌رود. نمونه‌های این نوع ترکیبات در اشعار فیاض لاهیجی، بیشتر از نوع اضافی (اضافه تشبیهی و اضافه استعاری) است که ۸۹ بار، معادل ۳۱/۵۶ درصد از کل حسامیزی با رنگهای اشعار فیاض لاهیجی را شامل می‌شود. به شکل ترکیب وصفی:

در شعر فیاض گاه گریه رنگین است و ناله و آواز نیم‌رنگ. حتی خود رنگ نیز گاه گرم است، گاه سرد و گاه شکسته و بی‌معنی. ترکیبات وصفی چون: گریه رنگین (ص ۱۱ ب ۷۸)، قباب نیم‌رنگ (ص ۱۲۵ ب ۱)، ناله‌های نیم‌رنگ (ص ۱۸۹ ب ۴)، جلوه‌های نیم‌رنگ (ص ۱۲۵ ب ۴)، هوای نیم‌رنگ (ص ۱۲۹ ب ۳)، آوازهای نیم‌رنگ (ص ۲۲۵ ب ۷)، رنگ سرد (ص ۳۲۲ ب ۱۴)، رنگ گرم (ص ۷۸ ب ۴)، عقل رنگین (ص ۴۷۳ ب ۲۰)، رنگ بی‌معنی (ص ۴۰۸ ب ۱۸)، رنگ شکسته (ص ۳۶۹ ب ۲)، هستی بی‌رنگ (ص ۵۲۹ ب ۷)، حکایت رنگین (ص ۷۹ ب ۳) و... همه و همه بیانگر اهمیت رنگ و جلوه‌های گوناگون آن در شعر فیاض است.

در بیت زیر ترکیب ابداعی عقل رنگین، موصوف و صفت است. فیاض با استفاده از آرایه حسامیزی می‌گوید ذوق و خرد او سرشار، متنوع و گوناگون است:

اینهمه رنگینی عقلش ز علم وافرست
هم ازین پرگاردان این طرح هر جا ریخته
(دیوان اشعار فیاض: ۴۷۳ ب ۲۰)

همچنین در بیتی دیگر برای رنگ، صفت بی‌معنی را آورده است:

دلی نبندد عاقل به رنگ بی‌معنی
سری ندارد تباب صورت بی‌جان
(همان: ۴۰۸ ب ۱۸)

به شکل ترکیب اضافی:

در ذهن و اندیشه فیاض، همه چیز دارای رنگ است. حتی اسامی معنایی همچون وفا، تغافل، الفت، اندیشه، ایمان، هوس، آرزو، امید، درد و... آمیخته به رنگ هستند. حسامیزی رنگهای شعر فیاض لاهیجی به صورت ترکیب اضافی، به دو شکل اضافه تشبیهی و اضافه استعاری آورده شده است. ترکیباتی همچون رنگ وفا (ص ۲۵۶ ب ۴)، رنگ تغافل (ص ۱۸۹ ب ۱۵)، رنگ کسل (ص ۴۳۳ ب ۱۸)، رنگ کدورت (ص ۱۷۷ ب ۸)، رنگ الفت (ص ۳۶۹ ب ۱۱)، رنگ اندیشه (ص ۴۱۱ ب ۱۶)، رنگ صد

اندیشه (ص ۱۲۸ب ۱۴)، رنگ ایمان (ص ۵۰۹ب ۱۳)، رنگ محبت (ص ۷۶ب ۱۵)، رنگ هوس (ص ۱۹۹ب ۵)، رنگ آرزو (ص ۱۴۴ب ۳)، گل امید دو رنگ (ص ۱۴۹ب ۶)، رنگ درد (ص ۱۲۳ب ۱۸)، رنگ نهی (ص ۵۱۶ب ۱۴)، رنگ رعونت (ص ۶۰۱ب ۷)، رنگ فنا (ص ۱۶۹ب ۴)، رنگ فردا (ص ۶۱۱ب ۲۳)، رنگ اجابت (ص ۳۲۴ب ۵)، رنگ کفر (ص ۲۶۷ب ۱۴)، رنگ حیا (ص ۲۹۹ب ۱۱)، رنگ غم (ص ۱۷۴ب ۵)، شکیب رنگ (ص ۱۲۸ب ۱۴)، نکته رنگین ادا (ص ۱۹۶ب ۱۶)، رنگ آمیزی حسن (ص ۲۰۰ب ۱۴)، لب رنگ (ص ۵۱۱ب ۳)، ناز رنگ (ص ۳۲۶ب ۱۷)، رنگ گفتار (ص ۴۱۹ب ۳)، رنگ مداوا (ص ۵۸۹ب ۱۱)، رنگ گویا (ص ۶۰۲ب ۱۴)، رنگ عبوس (ص ۶۰۲ب ۱۸)، رنگ خجل (ص ۶۰۷ب ۸) و... ترکیباتی هستند که یک پایه اصلی آنها را عنصر رنگ تشکیل میدهد. در بیت زیر شاعر با استفاده از آرایه‌هایی نظیر حسامیزی، تشخیص و اضافه استعاری، گلستان را به انسانی تشبیه میکند که چهره و عذار زاده دریا و کان را رنگ میکند:

ز رنگ‌آمیزی حسن گلستان طبیعت دان / که رنگی بر عذار زاده دریا و کان بینی
(همان: ۴۳۶ب ۱۵)

همچنین در بیتی دیگر رنگ اندیشه، اضافه تشبیهی است. فیاض به صورت خلاقانه، اندیشه و تفکر را به رنگ مانند کرده و بدین وسیله، اندیشه را که امری انتزاعی است، عینی و ملموس ساخته است:

رنگ صد اندیشه ریزیم و فرو ریزیم باز / در دیار آرزو هم بتشکن هم بتگریم
(همان: ۲۷ب ۱۰)

۱-۲ حسامیزی رنگها به شکل غیر ترکیبی

اینگونه حسامیزیها در دیوان فیاض لاهیجی، بسامد اندکی دارد و همین موارد اندک نیز بیانگر خلاقیت شاعر در این زمینه میباشد. در بیت زیر فیاض حسهایی چون بویایی، بینایی و شنوایی را درهم آمیخته و تصویری بدیع و زیبا را ارائه کرده است:

تا از گل تو بوی رنگ حقیقت شنیده‌ام / کارم مدام تربیت این مجاز بود
(همان: ۱۸۸ب ۵)

و در بیتی دیگر اصطلاح رنگ درد شنیدن، ترکیب ابداعانه و خلاقانه شاعر است که به صورت جمله بیان شده است:

گر رنگ درد می‌شنوم از تو دور نیست / در لاله زار سینه افگار گشته‌ای^۱
(همان: ۳۲۸ب ۵)

۱- برای مشاهده نمونه‌های دیگر ر.ک: دیوان فیاض لاهیجی، (۱۳۷۳)، صص: ۷۹ ب ۹، ۱۴۸ ب ۲، ۱۴۹ ب ۱، ۱۶۵ ب ۷، ۱۹۶ ب ۶، ۲۶۱ ب ۱۱، ۳۲۸ ب ۶، ۳۲۹ ب ۴، ۴۰۸ ب ۸، ۴۱۴ ب ۶، ۴۳۳ ب ۷، ۴۷۲ ب ۲، ۴۹۴ ب ۵، ۴۹۸ ب ۹، ۵۱۰ ب ۱۵، ۵۱۱ ب ۱۳، ۶۰۶ ب ۸.

۳-۱ طبقه‌بندی گونه‌های حسامیزی رنگها بر اساس ترکیب حواس حسامیزی را بر اساس حواس پنجگانه به انواعی تقسیم کرده‌اند. «از لحاظ جدول امکانات زبانی، به تناسب پنج حس ظاهری، از نظر ترکیب یا تبدیل این حواس با یکدیگر میتوان بیست و پنج نوع حسامیزی فرض نمود که بسیاری از آنها هیچگاه در زبان فارسی قابل تصوّر نمیباشند. متناسب با این حواس یعنی: بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و پساوایی، تنها میتوان نُه گونه حسامیزی در زبان فارسی یافت: بینایی با شنوایی، بینایی با بویایی، بینایی با چشایی، بینایی با بساوایی، شنوایی با چشایی، شنوایی با بویایی، شنوایی با بساوایی، بویایی با چشایی، که البته هنگام تبدیل یا ترکیب این حواس با یکدیگر، حالت عکس موارد نُه‌گانه یاد شده نیز قابل تصور است» (موسیقی شعر، ص ۱۶). لازم به ذکر است که «از میان حواس پنجگانه انسان فعالترین حس، حس بینایی است و مهمترین عنصر ادراکات این حس، رنگ است. از اینرو در ادب فارسی همانند دیگر زبانها، عنصر رنگ در معنی اصلی یا استعاری خود بسامد بالایی دارد» (فرهنگنامه ادبی فارسی، انوشه: ص ۶۸۷).

از نظر بسامد، بیشترین حسامیزی رنگهای شعر فیاض، مربوط به جایگزینی ویژگیهای دو حس بینایی - شنوایی است که به میزان ۶۳ بار (۲۲/۳۴٪) آمده و کمترین بسامد نیز در ترکیب حواس بینایی - بویایی، به تعداد ۳۲ بار (۱۱/۳۴٪) دیده میشود.

بینایی - شنوایی (شنوایی - بینایی)

در این نوع حسامیزی مواردی چون سخن سبز (ص ۱۴ب ۳)، رنگ گفتار (ص ۴۴۸ب ۶)، رنگ گویا (ص ۵۶۳ب ۱۸)، ناله‌های نیم‌رنگ (ص ۶۰۴ب ۳)، آوازهای نیم‌رنگ (ص ۸۹ب ۳)، رنگ شنیدن (ص ۷۹ب ۲)، نغمه سبز (ص ۴۵۶ب ۷)، چراغ زمزمه (ص ۵۴۹ب ۷)، نفس نغمه طراز (ص ۳۵۲ب ۱)، گل نغمه (ص ۱۱۳ب ۶)، شعله آواز (ص ۸۵ب ۴)، آب نغمه (ص ۹۶ب ۱)، آواز گل (ص ۲۵۱ب ۱)، گوش آشنای نغمه (ص ۵۱۶ب ۲)، خون نغمه (ص ۴۱۲ب ۳) و... از جمله ترکیباتی است که در آن دو حس بینایی و شنوایی با هم در آمیخته شده است:

شود در آب سخن سبز همچو نی در آب چو سر کنم قلم از بهر وصف آب و هوا
(دیوان اشعار فیاض: ۳۸۰ ب ۷)

شاعر لفظ سخن را که با حس شنوایی درک میشود، با سبز که جزء رنگها و حس بینایی است، همراه میکند و با استفاده از صنعت حسامیزی، تشبیه و اغراق میگوید: هنگامیکه به توصیف آب و هوا پردازم، سختم مانند نی در آب سبز میشود.

کند چو حکم فسردن بسامد شعله آواز ز بیم خشک شود خون نغمه در رگ تار
(همان: ۹۳ ب ۱)

فیاض لاهیجی در این بیت، آواز و نغمه را که با حس شنوایی همراه است، با شعله و خون که مربوط به حس بینایی است، در هم می‌آمیزد و ترکیبات بدیعی چون شعله آواز و خون نغمه می‌افزیند.

بینایی - بویایی (بویایی - بینایی)

سخن گفتن از بویها در شعر فیاض اندک نیست و بوهای خوش مشک و عنبر و عبیر و امثال آن در دیوان شاعر فراوان است. این دسته از حسامیزی در اشعار فیاض لاهیجی در ترکیب با رنگها به سه صورت، "بوی رنگ"، "رنگ بو" و "رنگ و بو" آمده است. در بیت زیر به صورت هنری، دو واژه رنگ و بو که مربوط به حواس بینایی و بویایی میباشد، آورده شده است:

متاع رنگ و بو دارد رواج امشب که میخواهد چمن آیین عید جلوۀ آن دلستان بندد
(همان: ۱۶۵ ب ۷)

بیت زیر نیز آمیخته به آرایه حسامیزی است. فیاض در بیانی شاعرانه، ترکیب بدیع بوی رنگ را آورده است و به معشوق میگوید که بوی رنگ را از جانب تو احساس کرده‌ام:
گر بوی رنگ میشنوم از تو دور نیست در جای جای دل گرفتار گشته‌ای^۳
(همان: ۱۸۸ ب ۵)

بینایی - چشایی (چشایی - بینایی)

حس چشایی با خصوصیتی همچون شیرینی، ترشی، شوری، نمکین، تلخی و ذوق، در ترکیب با واژه رنگ آمده که در شعر فیاض، تصاویر بدیعی بسیار زیبایی را موجب شده است. به عنوان نمونه ترکیب رنگ تلخ، آمیزه‌ای از دو حس بینایی و چشایی است:

ز هر مویم دو صد فواره الماس میجوشد به تلخیهای رنگ تو تا کام آشنا کردم
(همان: ۲۷۴ ب ۳)

در بیتی دیگر واژه نمک که از جمله چاشنیها و به طعم شوری است با رنگ همراه شده، شاعر میگوید که رنگ نمکین و شور، سخن را در مذاق فصیحان درست و خوب مینماید:
در مذاق فصحا طعم سخن بیمزه بود تا نکرد از نمک رنگ فصیحت مزه راست
(همان: ۳۷۴ ب ۵)

بینایی - بساویایی (بساویایی - بینایی)

این نوع حسامیزی در اشعار فیاض لاهیجی، بسامد بالایی ندارد و اگرچه کاربردش به اندازه دیگر حواس نیست، اما رنگها همراه با تصاویری تازه چون گرمی، سردی و ناز، نشان داده شده است.

^۳ این مصرع از لحاظ وزنی مشکل دارد و بهمین صورت در نسخه خطی آمده است.

شاعر در ابیاتی بصورت هنری برای رنگ، سردی و گرمی که از جمله حواس بساواپی و لامسه است، قائل میشود و میگوید:

به بد گویی دشمن راز دل پوشیده میدارم
ز رنگ سرد دی این غنچه را نشکفته میخوام
(همان: ۲۶۷ ب ۲)

واماندگان ناله ز دنبال میرسند
ای رنگ گرم کرده عنان را کشیده‌تر
(همان: ۲۳۹ ب ۳)

۲- بررسی رنگها در تصاویر کنایی

با توجه به بررسیهای انجام شده، نمونه‌های فراوانی از رنگها در اشعار فیاض لاهیجی مشاهده شد که کنایه هستند و اغلب آنها ساخته شاعر میباشند. به عنوان نمونه کنایه‌هایی چون: رنگینی ظاهر (ص ۲۵۶ ب ۱۱)، رنگ و بو (ص ۱۱۴ ب ۵)، رنگ درون (ص ۲۱۷ ب ۱۶)، رنگ نداشتن حنا (ص ۴۱۱ ب ۵)، رنگ نگذاشتن (ص ۱۳۷ ب ۵)، رنگ عوض کردن (ص ۵۸۹ ب ۲۳)، رنگ ساختن (ص ۵۸۹ ب ۴)، شکستن رنگ (ص ۳۲۱ ب ۴)، یک رنگی (ص ۲۹۹ ب ۴)، صد رنگی (ص ۵۶۸ ب ۱۸)، بی‌رنگی (ص ۱۶۳ ب ۴)، رنگ برآوردن (ص ۳۴۱ ب ۱۶)، به چه رنگ از تو شکبید (ص ۲۳۵ ب ۸)، رنگ گرفتن (ص ۶۱۱ ب ۳)، رنگ در کاری بودن (ص ۳۴۲ ب ۶)، رنگ به رنگ آمدن (ص ۵۴۲ ب ۳)، به رنگی گرداندن (ص ۳۱۱ ب ۱۴)، رنگ زدن (ص ۸۴ ب ۵)، رنگ بر کندن (ص ۸۴ ب ۲)، منت رنگ کشیدن (ص ۴۷۸ ب ۱۱)، رنگ آمدن (ص ۳۱۵ ب ۴)، رنگ پریدن (ص ۱۱۳ ب ۳)، رنگ رفتن (ص ۱۸۹ ب ۳) و رنگی در بساط نداشتن (ص ۲۵۶ ب ۴)، بصورت‌های گوناگون کنایه از صفت، کنایه از موصوف و کنایه از فعل آمده‌اند. تصاویر کنایی رنگها به میزان ۱۰۷ مورد (معادل ۵۵/۴۴٪) به کار رفته است.

کنایه از صفت:

چه یک رنگی است یا رب که گر محمود را بر دل
شکست از غم رسد چین در بر زلف ایاز افتد
(همان: ۲۱۲ ب ۳)

یک رنگی، کنایه از صادق بودن است (امثال و حکم، دهخدا: ص ۲۰۴۳)
کنایه از موصوف:

رنگینی رنگ تو تا موج ور نشد
بر دست و پا نیافت عروس سخن خضاب
(دیوان اشعار فیاض: ۴۸۶ ب ۸)

رنگینی رنگ، کنایه از سرشار بودن و متنوع بودن رنگ است.

۱- برای مشاهده نمونه‌های دیگر ر.ک: دیوان فیاض لاهیجی، صص: ۷۶ ب ۲، ۸۸ ب ۸، ۹۳ ب ۵، ۱۰۰ ب ۱۰، ۱۳۹ ب ۱، ۱۴۲ ب ۳، ۱۴۸ ب ۸، ۱۷۵ ب ۳، ۱۹۳ ب ۴، ۲۱۰ ب ۱، ۲۵۸ ب ۹، ۲۵۸ ب ۱۶، ۳۰۱ ب ۱، ۴۱۵ ب ۱۵، ۵۰۰ ب ۲۰، ۵۵۵ ب ۶، ۶۱۵ ب ۳.

کنایه از فعل:

چو زلفت ره ساز نیرنگ گیرد صبا از ملاقات او رنگ گیرد^۱
(همان: ۱۹۵ ب ۱)

رنگ گرفتن، کنایه از جان گرفتن و مؤثر واقع شدن است (امثال و حکم، دهخدا: ص ۸۷۴).

۳- رنگ در محور همنشینی کلمات

فیاض لاهیجی دنیا و همه هستی را در قالب رنگها میبیند و عواطف و احساسات خویش را به وسیله آنها بیان میکند. بنابراین رنگها، ظرف عواطف شاعر هستند. تصاویر شعری او از هر نوعی که باشند، همراه با صورتهای خیال (تشبیه، استعاره، کنایه، حسامیزی و...)، در مواردی ساده و روشن و در جاهایی پیچیده و مبهم هستند و ترکیبات خلاقانه رنگها کاملاً متناسب با معنی و مفهوم ابیات قرار گرفته است. به طوریکه مخاطب تصاویر رنگها را در جای مناسب خود میبیند و از این تصاویر متنوع لذت میبرد.

در واقع رنگها محور اصلی سخن در بیان مقصود شاعر هستند. فیاض در موارد متعددی از آنها به عنوان عاملی برای هماهنگ ساختن و تناسب بیشتر بخشیدن به اجزاء تصویر استفاده کرده است. رنگها به تناسب فضای غنایی و عرفانی اشعار فیاض لاهیجی ساخته شده‌اند و به طور کلی با مفاهیم و معانی چون: خستگی، درد، بیماری، غم، فراق، شیون، ناراحتی، عشق، آرزو، جان، امید، محبت، وفاداری، شادی، راحتی، عیش، بیگانگی، غفلت، نهی، سستی، نابودی، هوس، کفر، خجالت، حیا، ایمان، اندیشه، اجابت و گفتار همراه است. در بیت زیر، شاعر در تصویری هنری، از واژه رنگ برای بیان حالت نهی و کدورت استفاده میکند تا علاوه بر ظاهر ابیات، معنی آن را هم زیبا سازد.

چو رنگ نهی بر آید به چهره غضبش ز بیم آب شود زهره در دل انگور
(دیوان اشعار فیاض: ۴۰۴ ب ۴)

در این بیت شاعر در قصیده‌ای امام جعفر صادق (ع) را مدح میکند و با استفاده از آرایه تشخیص میگوید: زمانی که آن حضرت کسی را بخواهد از عملی باز گرداند، خشم و غضب او سبب میشود که حتی انگور، زهره‌اش آب شود. در بیتی دیگر کدورت و ناراحتی را با واژه رنگ آورده است:

چشم قدمم باز کن از رنگ کدورت کز ننگ نیارم به زبان نام و نشان را
(همان: ۳۴۳ ب ۲۲)

۴- رنگ در شعر فیاض

۱- برای مشاهده نمونه‌های دیگر ر.ک: دیوان فیاض لاهیجی، صص: ۹۵ ب ۵، ۹۹ ب ۱، ۱۶۸ ب ۸، ۱۹۰ ب ۶، ۲۱۲ ب ۶، ۲۹۴ ب ۴، ۳۳۳ ب ۳، ۳۶۴ ب ۲، ۳۶۵ ب ۱، ۳۶۶ ب ۲، ۴۰۰ ب ۱۷، ۴۰۲ ب ۱۳، ۴۳۲ ب ۱۹، ۴۳۸ ب ۱۸، ۴۵۶ ب ۱، ۵۱۲ ب ۱۶، ۶۰۰ ب ۵.

با اینکه عنصر رنگ در شعر فیاض لاهیجی از گستره کاربردی بالایی برخوردار است، اما در پاره‌ای موارد او از رنگها در معنی عادی و قاموسی آنها استفاده کرده است. بطور کلی انتخاب رنگهای روشن و شاد، نشان از خلاقیت و ابتکار او در آفرینش تصاویری زنده و پویا دارد و کاربرد آنها به غنای تصاویر افزوده و قدرت القای معانی را بیشتر کرده است. رنگهای مختلف از قبیل سفید، سیاه، سرخ، سبز، زرد، آبی و خاکستری در شعر او انعکاس بارزی یافته است، به طوری که بسامد کل این رنگها در شعر وی به ۲۳۰ بار میرسد.

رنگ سفید:

رنگ سفید از رنگهای ویژه است، برخی آن را رنگ نمیدانند. بلکه آن را نتیجه نبود رنگها و عین بیرنگی میدانند. «این رنگ غالباً در تضاد کامل با سیاه بکار میرود و مفهوم معصومیت و امیدواری را تداعی میکند» (روانشناسی رنگ، دی و تیلور: ص ۱۰). «رنگ سپید رمز برتری، معنویت و فضیلت است و هر گاه با زرین همراه شود، تقدس بیشتری مییابد» (کارکرد رنگ در شاهنامه فردوسی، حسن لی و احمدیان: ص ۱۵۵). همچنین درباره رنگ سفید گفته شده است که «سپیدی در بسیاری از اشیاء به نحو صفا بخشی، زیبایی را تعالی میبخشد، چنانکه گویی فضیلتی از ذات خود به آن اشیاء ارزانی میدارد. در رمزهای آدیان این رنگ نشانه بسیاری از چیزهای مؤثر و بزرگ بوده است» (اسطوره زال، مختاری: ص ۳۶۹). رنگ سپید در تصوف اسلامی، رنگی مثبت به شمار رفته است. باخزری در اوراد الاحباب تأکید میکند که سالک در مقام دوم، باید لباس سپید بپوشد (اوراد الاحباب، باخزری: ص ۳۸).

رنگ سفید در شعر فیاض، نماد پاکی، معنویت و زیبایی است و ۳۹ بار آمده است که ۱۶/۹۵ درصد از کل کاربرد رنگهای اشعار فیاض لاهیجی را شامل میشود. در بیت زیر، سپیدی صبح رمز پاکی و خلوص میباشد:

در نفس از لاف مهتر صبح ابيض را اثر در کف از خاک درت کبریت احمر را خواص
(همان: ۲۵۲ ب ۱۰)

همچنین رنگ سفید در توصیف زیبایی چهره معشوق آمده است:

آن رخ سپید تو را هر لحظه گردم گرد سر^۴ وان سرو بالای تو را هر دم بلا گردان شوم
(همان: ۲۸۵ ب ۶)

شاعر در بیت زیر، رنگ سفید را در کنار رنگ سیاه آورده و میگوید از زمانیکه سفید را از سیاه فرق کرده‌ایم (به قوه تشخیص و مرتبه آگاهی رسیدیم) فرقی میان شب و روز خود (خوشبختی و بدبختی خود) قائل نشده‌ایم:

^۴ این مصرع از لحاظ وزنی مشکل دارد و بهمین صورت در نسخه خطی آمده است.

فرقی میان روز و شب خود نکرده‌ایم تا فرق کرده‌ایم سفید و سیاه را
(دیوان اشعار فیاض: ۷۶ ب ۲)

همچنین در بیتی دیگر به سفیدی نفت (سفیدی موم شمع)، اشاره میکند و با استفاده از صنعت تشخیص میگوید که چون شعله بسیار گرم (به سرعت) دویده، نفسش بند می‌آید، به همین سبب همیشه کفنش که همان نفت سفید است، بر تنش میباشد:
گفتی از بس که شعله گرم دوید کفنش بر تن است نفت سفید
(همان: ۵۶۳ ب ۱)

رنگ سیاه:

رنگ سیاه را میتوان رنگی با خاصیت‌های متضاد گونه دانست. گاه نشانه شومی، تاریکی و نومیدی است و گاه نشانه زیبایی، پاکی و خلوص. در باور مردم، سیاه رنگ غم و اندوه است و گفته میشود که «سیاه، تیره‌ترین رنگ است و در واقع خود را نفی میکند. سیاه نمایانگر مرز مطلق است که در فراسوی آن زندگی متوقف میگردد و بیان‌کننده فکر پوچی و نابودی است. سفید، به صفحه خالی میماند که داستان را باید روی آن نوشت. ولی سیاه، نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد» (روانشناسی و رنگها، ص ۹۷). «رنگ سیاه، نشانه ناخودآگاهی کامل است، رنگ عزا و ظلمات. در اروپا، سیاه رنگی منفی به حساب می‌آید. شخص سیاه پوش، خانه شوم و مار سیاه، همه نشانه‌های تاریکی و بدون امید هستند» (رویا و تعبیر رویا، ص ۲۸۴).
اما در تصوف اسلامی سیاه، رنگی مثبت و پسندیده تلقی شده است. باخزری در اوراد الأحباب درباره اهمیت رنگ سیاه مینویسد: «لایق‌ترین رنگها مر فقیر را رنگ سیاه است. کسانی که از ظلمت طبیعت قدم بیرون نهاده‌اند، رنگ کبود پوشند که این رنگ ازرق متوسط است میان سفید و سیاه» (اوراد الأحباب، ص ۶۳۰). همچنین واعظ کاشفی میگوید که «رنگ سیاه، رنگ شب است و رنگ مردمک دیده و از آن مردمی است که دل ایشان خزینه اسرار باشد و حال خود را از همه کس مخفی میدارند و در پرده "اولیائی تحت قبائی" به یاد محبوب ازل میگذرانند» (فتوت‌نامه سلطانی، ص ۱۶۸).

در اشعار فیاض لاهیجی، رنگ سیاه ۲۵ بار آمده است که معادل ۱۰/۸۶ درصد را شامل میشود. در شعر او رنگ سیاه، جنبه کاملاً مثبت پیدا کرده و این موضوع در بیان سیاهی چشم و زلف یار چشمگیرتر است. در بیت زیر شاعر اشاره به سیاهی چشم معشوق خویش میکند و میگوید هنگامی که چشمان سیاه محبوب را دیدم، دیگر چشمانم را از همه دیدنیهای عالم بستم:
بستم ز چار گوشه عالم نگاه را تا دیدم این دو گوشه چشم سیاه را
(دیوان اشعار فیاض: ۷۶ ب ۱)

همچنین در جایی دیگر رنگ سیاه و سفید را با هم در معنی کنایی آن به کار برده است. شاعر به چهره خود نظر کرده و دیده که نه پیر شده و نه جوان است:
نظر به چهره خود کردم و دیدم^۵ که هم سفید غلط بود و هم سیاه غلط
(همان: ۲۵۴ ب ۶)

رنگ سرخ:

رنگ سرخ، بهترین، شادترین و زیباترین رنگ است. «دانش امروزی اثر رنگهای مختلف را بر اعصاب و روان بینندگان تأیید میکند. مثلاً آزمایشهای علمی نشان میدهد که رنگ قرمز، سیستم عصبی را تحریک میکند، فشار خون را بالا میبرد و تنفس و ضربان قلب را سریعتر میکند» (تناسب رنگها در صورخیال و هسته روایی شاهنامه، ص ۷۳). در چنین موقعیتی وضع جسمانی برای به کار بردن انرژی، کوشش و دلگرمی برای زندگی، پاسخگویی به تمایلات و اشتیاق و اراده برای کسب پیروزی آماده‌تر است (روانشناسی و رنگها، ص ۲۱؛ رمزهای زنده جان، ص ۱۲۴). ابن سینا در هزاران سال پیش متوجه تأثیرات عصبی رنگ قرمز بوده و یادآوری کرده است که تماشای رنگ سرخ، خون را تحریک میکند و اگر بیماری که دچار خونریزی بینی شده، به رنگ سرخ بنگرد، خونریزی شدیدتر میشود (قانون در طب، ص ۴۳). رنگ سرخ در ادبیات فارسی، نماد عشق، محبت، هیجان و نشاط و گاه رنگ خون است (فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، ص ۵۴۶).

فیاض لاهیجی رنگ سرخ را نشانه شادی و نشاط میداند که همراه با تصاویر زنده و پویا آمده است. رنگ سرخ در اشعار او به میزان ۴۱ بار (معادل ۱۷/۸۲٪) کاربرد دارد و گاه بجای رنگ سرخ از واژه‌ها و ترکیباتی چون رنگ غنچه‌ها، رنگ گل، گلرنگ، رنگ شفق و رنگ شعله آتش سود جسته است. در بیت زیر، شاعر به جای رنگ سرخ از رنگ شفق (غروب خورشید) استفاده کرده است:
داد باد صبح رنگین مژده‌ای از نو بهار گفت پیغام خوشی رنگ شفق در لاله زار
(دیوان اشعار فیاض: ۴۵۵ ب ۱)

در بیتی دیگر، مقصود از واژه "گلرنگ" همان رنگ سرخ است:

گل روی که دارم در نظر فیاض باز امشب که چون روی آینه خویش را گلرنگ می‌بینم
(همان: ۱۸۲ ب ۴)

رنگ زرد:

در گذشته رنگ زرد را بدترین رنگ دانسته‌اند. در ادبیات فارسی و شعر شاعران، از رنگ زرد کم یاد شده است. رنگ چهره عاشق زرد است. شمع زرد است و نور خورشید هم گاهی زرد است (فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، ص ۵۵۶). «رنگ زرد در فرهنگ عامه ادبیات فارسی و در فرهنگ جهانی رنگ رشک، خیانت، یأس و ناامیدی است» (زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر، ص ۲۳۳).

^۵ این مصرع از لحاظ وزنی مشکل دارد و بهمین صورت در نسخه خطی آمده است.

حسادت، تلقین، تشویق، توسعه‌طلبی و سهل‌گرفتن از عوارض روانی رنگ زرد است (روانشناسی و رنگها، ص ۹۰)، که در شعر فیاض لاهیجی نیز به طور ضمنی به عارضه روانی حسادت اشاره شده است. او معتقد است که زردی چهره معشوق به خاطر بیماری نیست، بلکه بخاطر همچشمی، رقابت و حسادتی است که با آفتاب دارد:

از عارضه نیست زردی رنگ رخش هم چشمی آفتاب زردش دارد

(دیوان اشعار فیاض: ۵۷۳ ب ۱۲)

رنگ زرد در دیوان فیاض بیشتر نشانه غم و اندوه و بیماری است. رنگ زرد ۵۹ بار (معادل ۲۵/۶۵٪) در شعرش به کار رفته است. فیاض در بیت زیر، به زردی چهره خویش اشاره میکند که بخاطر غم و اندوه ایجاد شده است.

بر چهره زردم اثر سیلی غم بین هرگز نزند کس به ازین سگه به زر بر

(همان: ۳۶۱ ب ۱۰)

رنگ سبز:

رنگ سبز، نماد طراوت، سر سبزی و رویش، ایمن، عقیده به رستاخیز و نشانه تقدس و پاکی است. «در گذشته رنگهای نیلی و کبود و ارزق آسمانی و سبز را جزو رنگهای تیره و سیاه میدانستند. سبز گاهی بمعنی سبز امروزی (برگ درختان سبز در نظر هوشیار) است. اما خضرا و زنگار مکرراً به معنی تیره و سیاه هم آمده است» (فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، ج ۱، ص ۵۲۷). رنگ سبز در شعر فیاض نماد سر سبزی، فراوانی نعمت و خیر و برکت است که به میزان ۳۸ بار و معادل ۱۶/۵۲ درصد آمده و شاعر به کرات از آن با الفاظی چون سبزه، سبزه‌زار، رنگ سبزه، رنگ چمن و اخضر یاد کرده است.

آسمان بر سبزه زار همتت چون کرده سیر قطره شبنم درو دریای اخضر یافته

(دیوان اشعار فیاض: ۵۰۰ ب ۶)

در بیت زیر، شاعر به جای رنگ سبز، از تعبیر "رنگ چمن" استفاده کرده است که حتی خزان هم نمیتواند رنگ آن را تغییر بدهد، زیرا بهار طلسم رنگ چمن را محکم بسته است:

طلسم رنگ چمن را بهار بسته چنان که رنگ بیم ندارد برو شکست خزان

(همان: ۳۹۶ ب ۱)

رنگ خاکستری:

یکی دیگر از رنگهایی که در شعر فیاض لاهیجی کاربردی قابل ملاحظه دارد، رنگ خاکستری است. این رنگ ۲۶ بار و معادل (۱۱/۳۰٪) در شعر او مورد استفاده قرار گرفته است. رنگ خاکستری در شعر او بیشتر در بیان غم، اندوه و تیره‌بختی به کار رفته است:

تیره بختیهای من گر پرتو اندازد ز دور شعله را در بر از رنگ خاکستر کنم^۶
(همان: ۲۷۲ ب ۵)

همچنین در جایی دیگر، از رنگ خاکستری چنین یاد میکند:
بر شعله طبیعت وی ار بشکند نقاب آتش هوای طینت رنگ خاکستری کند
(همان: ۴۸۳ ب ۱۷)

رنگ آبی:

در شعر فیاض لاهیجی، رنگ آبی کمترین بسامد را به خود اختصاص داده است. رنگ آبی، نماد زیبایی است که از آن برای بیان صداقت، آزادی و بیکرانگی استفاده کرده است. در دیوان او دو بار (۰/۸۶٪) بکار رفته است. در بیتی به لباس آبی کودکان در شب عید اشاره میکند و میگوید:

شب عید وصال همچو طفلان کنم گلگون لباس آبی خود را
(همان: ۲۵۹ ب ۲)

همچنین در بیت زیر منظور از رنگ فلک، همان رنگ آبی است:

بیم نهیب تو چو برگ خزان رنگ فلک را یرقانی کنسد^۱
(همان: ۳۰۰ ب ۶)

۵- حسامیزی با آهنگها

شاعران تجربه‌های خود را از جهان در شعر جلوه میدهند. این تجربه‌ها معمولاً حسی است و حاصل آشنایی و نزدیک شدن شاعر با گوشه‌های مختلف جهان و طبیعت است. «ارتباط میان انسان و طبیعت جز از راه حواس پنجگانه ممکن نیست. معمولاً شعر آکنده از تصاویری است که هر یک حاصل تجربه یکی از حسیهاست و در این میان بیشترین سهم آن حس بینایی و شنوایی است» (حواس پنجگانه و حسامیزی در شعر، کریمی: ص ۱۳۲).

فیاض لاهیجی با در هم آمیختن نظام معتاد روابط خانوادگی کلمات، از عنصر حسامیزی آهنگها در جهت توسعه حوزه دلالتی مفاهیم واژه‌ها و کارکرد هنری و بلاغی آن در شعر خویش سود جسته است که درک و دریافت آنها نیازمند تأمل و درنگ بر متن است. در حقیقت مقوله حسامیزی آهنگها در شعر او، متناسب با فضای شعر و در جهت القای عواطف و احساسات شاعر میباشد و از آن در زیباسازی فضای ادبی اثر خود به شایستگی بهره برده و با استفاده از آرایه حسامیزی تصویرهای زیبا و دل‌انگیزی آفریده است. آرایه حسامیزی آهنگها در دیوان فیاض ۲۰۱ بار به کار رفته است که به دو شکل ترکیبی و غیر ترکیبی قابل تقسیم است.

^۶ این مصرع از لحاظ وزنی مشکل دارد و بهمین صورت در نسخه خطی آمده است.

۱- برای مشاهده نمونه‌های دیگر ر.ک: دیوان فیاض لاهیجی، صص: ۱۷۸ ب ۱، ۱۰۸ ب ۲، ۱۸۳ ب ۴، ۱۹۵ ب ۶، ۲۰۹ ب ۹، ۲۲۶ ب ۲، ۲۶۹ ب ۸، ۳۷۴ ب ۵، ۳۷۸ ب ۱.

۱-۵ حسامیزی آهنگها به شکل ترکیبی

آهنگها نیز مانند رنگها، به دو صورت ترکیب وصفی و اضافی (اضافه تشبیهی و اضافه استعاری)، ۲۰۰ بار (معادل ۹۹/۵۰٪) به کار گرفته شده‌اند، که در این بین میزان کاربرد اضافه تشبیهی، بیشتر از اضافه استعاری است.

به شکل ترکیب وصفی:

در شعر فیاض لاهیجی، نغمه می‌تواند سبز، تر و نیم‌رنگ باشد. در بیت زیر، شاعر احساسات خویش را که شامل اضطراب و ترس و اندوه است، به نحوی مؤثر برای خواننده بازگو میکند. به طوری که مخاطب با خواندن آن، ناخودآگاه همین احساس برای او به وجود می‌آید. ترکیب ابداعی آوازهای نیم‌رنگ، ذهن خواننده را به تأمل و میدارد و نوعی ابهام شاعرانه را به همراه دارد:

مضطرب پیچیده از بس ناله‌ها در بیستون میرسد در دل هنوز آوازهای نیم‌رنگ
(دیوان اشعار فیاض: ۲۶۱ ب ۳)

در بیتی دیگر، واژه تر به عنوان صفتی برای نغمه آورده شده است:

کو آنکه شیونم به اثر آشنا شود این ارغنون به نغمه تر آشنا شود
(همان: ۲۱۰ ب ۱)

فیاض لاهیجی رنگ سبز را صفت نغمه قرار داده و تعبیر زیبایی "نغمه سبز" را ساخته است. شاعر می‌گوید در بزم محبت، غصه و اندوه از بین می‌رود و مطرب تنها نغمه‌ای به رنگ سبز را که نماد امیدواری و نشاط است، مینوازد:

چه قانونیست یا رب مطرب بزم محبت را که خون آغشته خیزد نغمه سبز ز طنبورش
(همان: ۲۵۲ ب ۹)

تعبیر نغمه سبز، یادآور "جیغ بنفش" در شعر هوشنگ ایرانی، شاعر معاصر است که در شعر کبود وی چنین آمده است:

غار کبود می‌دود/ دست به گوش و فشرده پلک و خمیده/ یکسره جیغی بنفش میکشد (بنفش تند بر خاکستری، ایرانی: ص ۲۲)

به شکل ترکیب اضافی:

در شعر فیاض لاهیجی نمونه‌هایی مانند: نوای درد (ص ۹۹ ب ۱)، نغمه عشق (ص ۱۶۳ ب ۴)، ساز غم (ص ۱۲۷ ب ۹)، ساز قدم (ص ۱۴۵ ب ۱۱)، چراغ زمزمه (ص ۲۲۳ ب ۲)، گل نغمه (ص ۱۲۷ ب ۹)، نغمه جان (ص ۹۴ ب ۴)، زمزمه عیش (ص ۶۷ ب ۹)، نغمه عیش (ص ۴۸۱ ب ۵)، نوای غم (ص ۵۶ ب ۷)، شعله آواز (ص ۵۹۹ ب ۱۳)، نغمه درد (ص ۶۰۹ ب ۷) و نغمه راحت (ص ۶۱۰ ب ۳)، اضافه تشبیهی و خون نغمه (ص ۲۱۸ ب ۹)، نغمه قانون (ص ۲۶۳ ب ۶)، نغمه سنجی بلبل (ص ۳۴۱ ب ۲)، گوش آشنای نغمه

(ص ۱۶۹ب ۵)، رگ تار (ص ۴۱۱ب ۱۹) و آواز گل (ص ۵۸۱ب ۴)، از جمله اضافه‌های استعاری هستند که با تصاویر بسیار زیبا و خلاقانه‌ای همراه شده‌اند.

در بیت زیر چکاچاک تیغ ممدوح در جنگ به گوش دوستانش، خوش آهنگتر و به تعبیر فیاض، زنگ‌زادتر از نغمه قانون است:

به‌گوش دوست چکاچاک تیغ تو در حرب ز سینه زنگ‌زادتر ز نغمه قانون
(همان: ۲۶۳ ب ۶)

در بیت زیر، فیاض لاهیجی، نغمه را به گل، و ساز را به غم مانند کرده است:
هر گل نغمه که خوناب دل از وی نچکد در سراپرده ساز غم ما محرم نیست
(همان: ۱۲۷ ب ۹)

۲-۲ حسامیزی آهنگها به شکل غیر ترکیبی
بسامد حسامیزی آهنگ به شکل غیر ترکیبی بسیار اندک میباشد و فقط یکبار (۰/۵۰٪) بکار رفته است. در بیت زیر شاعر بر این باور است که نغمه در شریان تار بر اثر رطوبت سبز میگردد:
از رطوبت ریشه گیرد نار در سطح هوا وز رطوبت سبز گردد نغمه در شریان تار
(همان: ۴۵۶، ب ۷)

۶- بررسی آهنگها در تصاویر کنایی

کنایه‌هایی چون: لب از صدا بستن (ص ۲۴۶ب ۶)، گوش به آواز نشستن (ص ۱۵۴ب ۷)، آواز به آواز افکندن (ص ۵۵۰ب ۲)، نغمه نفس طراز (ص ۱۱۸ب ۴)، نغمه تر (ص ۲۱۰ب ۱۹)، گوش نغمه کم کردن (ص ۱۵۵ب ۸)، نوای بی‌غلط (ص ۳۶۶ب ۷) و نغمه ریزی ساز (ص ۲۶۱ب ۱)، بصورت‌های گوناگون کنایه از صفت، کنایه از موصوف و کنایه از فعل آمده‌اند. تصاویر کنایی آهنگها در شعر فیاض با بسامد ۸۶ بار یعنی (معادل ۰/۴۴/۵۵٪) به کار رفته است.
کنایه از صفت:

نغمه نفس طرازم به خیال رخ دوست عندلیبی است که پروای گلستانش نیست
(همان: ۱۱۸ ب ۴)

نغمه نفس طراز، کنایه از آهنگی که زیور و زینتبخش سخن است.
کنایه از موصوف:

کو آنکه شیونم به اثر آشنا شود این ارغنون به نغمه تر آشنا شود
(همان: ۲۱۰ ب ۱۹)

۱- برای مشاهده نمونه‌های دیگر ر.ک: دیوان فیاض لاهیجی، صص: ۷۳ ب ۶، ۷۶ ب ۸، ۹۱ ب ۲، ۱۳۷ ب ۵، ۱۵۹ ب ۴، ۵۱۳ ب ۳، ۵۴۷ ب ۱، ۵۷۰ ب ۵، ۵۷۴ ب ۱، ۵۸۴ ب ۹، ۵۸۶ ب ۱۱، ۶۰۰ ب ۱، ۶۰۲ ب ۴، ۶۰۳ ب ۴.

نغمه‌تر، کنایه از نغمه خوش و خوب است.

کنایه از فعل:

وقت آن آمد که با گل در چمن هر صبحگاه از صدای خنده آوازی به آواز افکنیم^۱
(همان: ۲۸۴ ب ۵)

آواز به آواز افکندن، کنایه از پی در پی آواز خواندن است.

۷- آهنگ در محور همنشینی کلمات

«موسیقی بی‌واسطه‌ترین هنر برای رهیافت به درون آدمی است، میتواند آثار ادبی را بینهایت عمیق، زیبا و دلنشین سازد و جانها را بریابد. انسان در نخستین گام برخورد با مقوله‌های هنری ناخودآگاه از بار موسیقایی کلمات دگرگون میگردد» (بدیع نو، ص ۱۳۷). اگر چه در سراسر دیوان فیاض لاهیجی موسیقیها و آهنگها موج میزند، اما لازم به ذکر است که گاه کاربرد آهنگ در شعر فیاض، فقط مربوط به نام بردن شاعر از آنها است و فاقد تصاویر ادبی میباشد. زیرا نسبت دادن فعل یا صفت به آنها حقیقی است نه مجازی. مانند: آواز نی (ص ۱۵۸ ب ۶)، نغمه مطرب (ص ۲۰۲ ب ۳)، آواز مطرب (ص ۵۵۳ ب ۴)، صوت نوازنده (ص ۵۶۱ ب ۱۸)، نغمه مرغ (ص ۱۴۴ ب ۶)، صوت هزاران (ص ۱۶۷ ب ۱)، نغمه بلبل (ص ۱۸۸ ب ۶)، نغمه صور (ص ۳۶۴ ب ۴)، آواز طبل (ص ۱۸۷ ب ۵)، نغمه ساختن (ص ۲۴۱ ب ۹)، نغمه‌های عود (ص ۱۶۱ ب ۶)، ناله جرس (ص ۱۸۵ ب ۱) و نوای جغد (ص ۲۱۲ ب ۳):

می‌می‌چکد ز نغمه مطرب چه آفتند این ساقیان که باده به مضراب داده‌اند

(دیوان اشعار فیاض: ۲۰۲ ب ۳)

با ناله‌های زار من ارباب انتعاش از نغمه‌های عود فراموش کرده‌اند

(همان: ۱۶۱ ب ۶)

۱- جدول بسامد انواع حسامیزی رنگها

| نوع | ترکیبی | غیر | بینایی - | بینایی - | بینایی - | بینایی - | مجموع |
|-----|--------|-----|----------|------------|------------|------------|-------|
| | ترکیبی | | شنوایی | بوایی | چشایی | بساوایی | |
| | | | و | (و بالعکس) | (و بالعکس) | (و بالعکس) | |
| | | | بالعکس) | | | | |

۱- برای مشاهده نمونه‌های دیگر ر.ک: دیوان فیاض لاهیجی، صص: ۸۵ ب ۶، ۷۸ ب ۱۴، ۹۵ ب ۷، ۱۶۱ ب ۱، ۱۶۷ ب ۳، ۲۰۲ ب ۸، ۲۷۲ ب ۶، ۲۷۲ ب ۲، ۳۰۰ ب ۱، ۳۵۶ ب ۸، ۳۷۴ ب ۹، ۴۵۸ ب ۱۱، ۶۱۷ ب ۱۹، ۵۰۹ ب ۱، ۵۵۲ ب ۱، ۶۰۲ ب ۲۳، ۶۰۷ ب ۳، ۶۱۱ ب ۴.

| | | | | | | | |
|-------|-------|------|-------|-------|------|------|------|
| تعداد | ۸۹ | ۳ | ۶۳ | ۳۲ | ۱۷ | ۹ | ٪۱۰۰ |
| درصد | ۴۱/۷۸ | ۱/۴۰ | ۲۹/۵۷ | ۱۵/۰۲ | ۷/۹۸ | ۴/۲۲ | |

۲- جدول بسامد انواع حسامیزی آهنگها

| | | | |
|-------|--------|------------|-------|
| نوع | ترکیبی | غیر ترکیبی | مجموع |
| تعداد | ۲۰۰ | ۱ | ٪۱۰۰ |
| درصد | ۹۹/۵۰ | ۰/۵۰ | |

۳- جدول بسامد انواع تصاویر کنایی رنگها

| | | | | |
|-------|--------------|----------------|--------------|-------|
| نوع | کنایه از صفت | کنایه از موصوف | کنایه از فعل | مجموع |
| تعداد | ۴ | ۱۱ | ۹۲ | ٪۱۰۰ |
| درصد | ۳/۷۳ | ۱۰/۲۸ | ۸۵/۹۸ | |

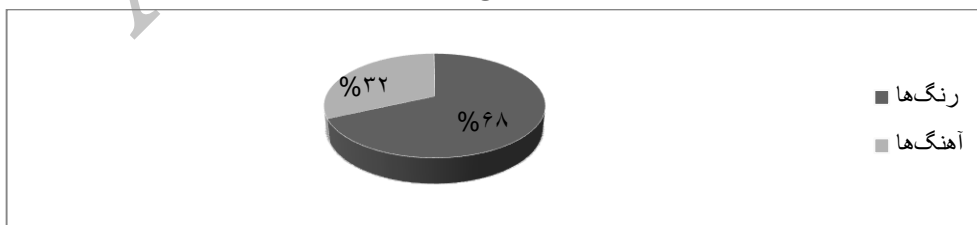
۴- جدول بسامد انواع تصاویر کنایی آهنگها

| | | | | |
|-------|--------------|----------------|--------------|-------|
| نوع | کنایه از صفت | کنایه از موصوف | کنایه از فعل | مجموع |
| تعداد | ۳ | ۵ | ۷۸ | ٪۱۰۰ |
| درصد | ۳/۴۸ | ۵/۸۱ | ۹۰/۶۹ | |

۵- جدول بسامد انواع رنگها

| | | | | | | | | |
|-------|-------|-------|-------|-------|-------|------|---------|-------|
| نوع | سفید | سیاه | سرخ | زرد | سبز | آبی | خاکستری | مجموع |
| تعداد | ۳۹ | ۲۵ | ۴۱ | ۵۹ | ۳۸ | ۲ | ۲۶ | ٪۱۰۰ |
| درصد | ۱۶/۹۵ | ۱۰/۸۶ | ۱۷/۸۲ | ۲۵/۶۵ | ۱۶/۵۲ | ۰/۸۶ | ۱۱/۳۰ | |

۶- نمودار بسامد انواع رنگ و آهنگ



نتیجه‌گیری

رنگ و آهنگ یکی از عناصر بسیار مهم در تحلیل تصاویر شعری فیاض لاهیجی است. بررسی‌های به عمل آمده از حضور فراوان رنگها و آهنگها در شعر فیاض نشان میدهد که رنگ و آهنگ حضوری تزئینی و اتفاقی ندارد و وی در راستای جهت‌گیریهای ذهنی و روحی و تمایلات خویش از آنها بهره برده است. تصاویر شعری رنگها و آهنگها در دیوان فیاض لاهیجی، ژرف و سرشار از عاطفه شورانگیز شاعر هستند. انتخاب رنگهای روشن و موسیقیهای شاد، نشان از خلّاقیت و ابتکار او در آفرینش تصاویری زنده و پویا دارد و کاربرد آنها به غنای تصاویر افزوده و قدرت القای معانی را بیشتر کرده است. فیاض لاهیجی از عنصر رنگ و آهنگ در زیباسازی فضای ادبی اثر خود به شایستگی بهره برده و آنها را با آرایه‌هایی نظیر: حسامیزی، تشبیه، کنایه و استعاره همراه کرده است. از نظر بسامد، بیشترین موارد کاربرد رنگها و آهنگها در شعر فیاض، مربوط به مقولهٔ حسامیزی (به شکل ترکیبی و غیر ترکیبی) است. در شعر فیاض لاهیجی، نمونه‌های فراوانی از آهنگها و رنگها وجود دارد که در واقع ترکیب کنایی و ساختهٔ ذهن خود شاعر هستند.

منابع

- ۱- اسطورهٔ زال، مختاری، محمد، ۱۳۶۹، تهران، انتشارات آگاه.
- ۲- امثال و حکم، دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۳، ۴ ج، تهران، چاپخانهٔ سپهر.
- ۳- اوراد الأحباب و فصوص الآداب، باخزری، ابوالمفاخر یحیی، ۱۳۴۵، ۲ ج، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- بدیع نو، هنر ساخت و آرایش سخن، محبتی، مهدی، ۱۳۸۰، تهران، سخن.
- ۵- بنفش تند بر خاکستری، ایرانی، هوشنگ، ۱۳۳۰، تهران، نشر کولف.
- ۶- تناسب رنگها در صور خیال و هستهٔ روایی شاهنامه، جودی نعمتی، اکرم، ۱۳۸۶، فصلنامهٔ پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، ش ۱۱، پاییز و زمستان، صص ۵۷-۸۲.
- ۷- حواس پنجگانه و حسامیزی در شعر، کریمی، پرستو، ۱۳۸۸، فصلنامهٔ گوهر گویا، س ۲، ش ۸، زمستان، صص ۱۳۱-۱۵۰.
- ۸- دیوان اشعار، عنصری، ابوالقاسم حسن، ۱۳۴۲، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، ستایی.
- ۹- دیوان اشعار، فرخی سیستانی، ابوالحسن علی، ۱۳۳۵، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، اقبال.
- ۱۰- دیوان اشعار، فیاض لاهیجی، ملاعبدالرزاق، ۱۳۷۳، تصحیح جلیل مسگر نژاد، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۱- دیوان اشعار، قطران تبریزی، ابو منصور، ۱۳۳۳، به اهتمام محمد نخجوانی، تبریز، کتابفروشی تهران.
- ۱۲- دیوان اشعار، لامعی گرگانی، ابوالحسن، ۱۳۱۹، با تصحیح و حواشی سعید نفیسی، تهران، اقبال.
- ۱۳- دیوان اشعار، منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد، ۱۳۴۱، به تصحیح محمد دبیر سیاقی، تهران، زوار.
- ۱۴- رمزهای زندهٔ جان، دوبوکور، مونیك، ۱۳۷۳، ترجمهٔ جلال ستاری، تهران، نشر مرکز.

- ۱۵- روانشناسی رنگ، دی‌جانانان و تایلور، ۱۳۸۷، ترجمه مهدی گنجی، تهران، نشر ساوالان.
- ۱۶- روانشناسی و رنگها، لوچر، ماکس، ۱۳۷۸، ترجمه نغمه صفاریان، تهران، نشر حکایت.
- ۱۷- رویا و تعبیر رویا، اپلی، ارنست، ۱۳۷۱، ترجمه دل آرا قهرمان، تهران، انتشارات فردوس.
- ۱۸- زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر، نیکو بخت، ناصر؛ قاسم زاده، علی، ۱۳۸۴، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ش ۱۸، زمستان، صص ۷۹-۹۳.
- ۱۹- شاعر آیینها، شفیعی کدکنی، محمد رضا، ۱۳۸۴، تهران، انتشارات آگاه.
- ۲۰- شاهنامه، فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۹۰، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، نشر قطره.
- ۲۱- صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، ۱۳۷۸، تهران، انتشارات آگاه.
- ۲۲- فنونامه سلطانی، واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، به اهتمام محمد جعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۲۳- فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، شمیسا، سیروس، ۱۳۷۷، ج ۲، تهران، انتشارات فردوس.
- ۲۴- فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، سیما، ۱۳۸۰، تهران، نشر مروارید.
- ۲۵- فرهنگ‌نامه ادبی فارسی، انوشه، حسن، ۱۳۷۶، تهران، سازمان چاپ و انتشارات.
- ۲۶- قانون در طب، ابن سینا، شیخ الرئیس ابو علی، ۱۳۵۷، ترجمه عبدالرحمان شرفکندی، تصحیح حسین عرفانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۷- کارکرد رنگ در شاهنامه فردوسی، حسن لی، کاووس؛ احمدیان، لیلا، ۱۳۸۶، فصلنامه ادب پژوهی، ش ۲، تابستان، صص ۱۴۴-۱۶۳.
- ۲۸- گزیده اشعار کسایی مروزی، ابوالحسن، ۱۳۷۰، انتخاب و شرح جعفر شعار، تهران، نشر قطره.
- ۲۹- معجم مصطلحات الأدب، وهبه، مجدی، ۱۹۷۷، بیروت.
- ۳۰- مقالات ادبی- زبان شناختی، حق شناس، علی محمد، ۱۳۷۰، تهران، نشر نیلوفر.
- ۳۱- موسیقی شعر، شفیعی کدکنی، محمد رضا، ۱۳۶۸، تهران، انتشارات آگاه.
- ۳۲- ورقه و گلشاه، عیوقی، ۱۳۴۳، به تصحیح ذبیح الله صفا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.